

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ویلیام ون واگن

ویراستاری و ارسال: علی مشرف

۱۵ نومبر ۲۰۲۳

اسرائیل، در آن زمان و اکنون: "بکش، همه آنها را بکش"

از لحاظ تاریخی، ایدئولوژی افراطی صهیونیسم به طور کامل و آشکارا قتل را برای دستیابی و حفظ هدف خود یعنی دولت‌داری تأیید کرده است. این شامل یهودیان و غیریهودیان به طور یکسان می‌شود.

مقاومت مسلحانه فلسطین در ۷ اکتوبر، حصار مرزی غزه را شکست تا یک حمله غافلگیرکننده بی‌سابقه به اسرائیل انجام دهد که در آن حدود ۱۲۰۰ غیرنظامی و نیروهای امنیتی کشته شدند.

در حالی که اسرائیل کل تلفات خود را به مبارزان مقاومت، به ویژه حماس و شاخه نظامی آن، گردان های القسام نسبت می‌دهد، از آن زمان گفته شده است که نیروهای اشغالگر ممکن است مسؤولیت تعداد قابل توجهی از کشته ها را بر عهده بگیرند.

این تناقض، روایتی را که توسط رسانه‌های اسرائیلی و غربی مطرح می‌شود، سوراخ می‌کند، که عملیات طوفان الاقصی را به‌طور تمسخر آمیزی به عنوان «مرگبارترین حمله به یهودیان از زمان هولوکاست» توصیف می‌کند.

دستورالعمل هانیبال

اما آیا نیروهای اسرائیلی می‌خواهند خود را بکشند - و چرا؟

نکته کلیدی در درک این نکته نهفته است که هدف اولیه عملیات مقاومت، دستگیری اسرای جنگی (اسرا) - اعم از سربازان و شهرک نشینان - برای بازگرداندن به غزه بود. این اسیران به عنوان اهرم فشاری برای تحت فشار قرار دادن اسرائیل برای برآورده کردن خواسته‌های حماس، از جمله پایان دادن به محاصره ۱۷ ساله غزه و آزادی هزاران فلسطینی که بدون محاکمه در زندان‌های اسرائیل نگهداری می‌شوند، در نظر گرفته شده بود.

درک این نکته نیز بسیار مهم است که اسرائیل، از نظر اعتقادی، برای جلوگیری از گرفتن اسیران - از جمله کشتن آنها - تا شدیدترین حدی که می‌توان تصور کرد، پیش خواهد رفت. در تلاش برای جلوگیری از گرفتن اسرای جنگی توسط حماس، نیروهای اسرائیلی اقدامات شدیدی را انجام دادند، از جمله حملات هوایی به پایگاه نظامی خود، شلیک گلوله تانک به خانه‌های غیرنظامیان، و استفاده از قدرت آتش بسیار زیاد برای اجرای دستورالعمل بسیار بحث برانگیز هانیبال.

این سیاست بدنام نظامی - که در سال ۲۰۱۶ تغییر کرد اما حذف نشد - به فرماندهان این امکان را می دهد که سربازان خود را قربانی کنند تا از اسیر شدن آنها جلوگیری کنند و هدف آنها از بین بردن هرگونه اهرم دشمن بر دولت اشغالگر است. یک مورد قابل توجه در سال ۲۰۰۶ بود، زمانی که حماس سرباز اسرائیلی گیلاد شلینیت را در مرز غزه دستگیر کرد. حماس پس از اسارت او به مدت پنج سال در دناک، توانست شلینیت را با ۱۰۲۷ فلسطینی اسیر اسرائیل مبادله کند.

آیا شما حماس را محکوم می کنید؟

موضوع هدف قرار دادن فلسطینی ها غیرنظامیان اسرائیلی به طور قابل درک موضوعی بحث برانگیز است، به ویژه در غرب. با این حال، حماس با این ادعا که همه اسرائیلی ها شهرک نشینانی هستند که در زمین های زندگی می کنند که در سال ۱۹۴۸ از فلسطینیان در جریان آنچه به نام نکهه یا «فاجعه» شناخته می شود، زندگی می کنند، این موضوع را توجیه می کند.

در آن سال، شبه نظامیان صهیونیست از تجاوز به عفو و قتل عام به عنوان ابزاری برای «انتقال اجباری» حدود ۷۵۰۰۰۰ فلسطینی از سرزمین های مورد نیاز برای تأسیس اسرائیل استفاده کردند. دیوید بن گوریون، نخست وزیر آینده اسرائیل و دیگر رهبران صهیونیست فهمیدند که اکثریت جمعیت بومی فلسطین تحت فرمان بریتانیا، یعنی عرب های مسیحی و مسلمان، برای ایجاد دولتی با اکثریت جمعیت شناختی یهودی، باید از این سرزمین «پاکسازی» شوند.

امروزه، بسیاری از اسرائیلی ها - غیرنظامیان و سیاستمداران - با صدای بلند از ارتش خود می خواهند که "کار را به پایان برساند"، همانطور که بنی موریس، مؤرخ اسرائیلی آن را توصیف کرد، با پاکسازی قومی و الحاق آن بخش های از فلسطین که در سال ۱۹۴۸ موفق به فتح آن نشدند، یعنی کل کرانه باختری اشغالی از جمله بیت المقدس شرقی و نوار غزه.

ماکس هستینگز، مؤرخ در کتاب خود به نام «رفتن به جنگ ها» می نویسد که بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر کنونی اسرائیل، در دهه ۱۹۷۰ به او گفت: «در جنگ بعدی، اگر درست انجام دهیم، این شانس را خواهیم داشت که همه اعراب را بیرون کنید... ما می توانیم کرانه باختری را پاکسازی کنیم، بیت المقدس را مرتب کنیم.»

در مقابل، فلسطینی ها، جمعیت بومی، تمام تلاش خود را برای مقاومت در برابر پروژه استعماری صهیونیستی و دفاع از سرزمین، خانه و موجودیت خود به عنوان یک مردم به کار گرفته اند. این انتظار که آنها در برابر اشغالگری صهیونیستها مقاومت کنند، توسط اولین نخست وزیر اسرائیل، دیوید بن گوریون، که خود از پولند به فلسطین مهاجرت کرده است، به رسمیت شناخته شده است.

«حقایق را در میان خود نادیده نگیریم... از نظر سیاسی ما متجاوز هستیم و آنها از خود دفاع می کنند... کشور مال آنهاست، زیرا آنها در آن ساکن هستند، در حالی که ما می خواهیم به اینجا بیاییم و ساکن شویم، و از نظر آنها می خواهیم از آنها دور شویم. آنها کشورشان هستند... پشت تروریسم [از سوی اعراب] جنبشی است که هرچند بدوی، خالی از آرمان گرانی و از خودگذشتگی نیست.»

یک محاسبه تاریخی

صهیونیست های عمیقاً ایدئولوژیک به همان شدت آماده بودند تا برای اشغال فلسطین و از بین بردن ساکنان آن دست به هر کاری بزنند. سوابق تاریخی نشان می دهد که این شامل تمایل به قربانی کردن بسیاری از افراد خود برای پیشبرد پروژه استعماری شهرک نشینان است.

در سال ۱۹۳۸، زمانی که تلاش‌ها برای تخلیه کودکان یهودی از آلمان در پی جنایات Kristallnacht pogroms "شب کریستال شکسته" هیتلر در جریان بود، بن گوریون [فاش کرد](#):

«اگر می‌دانستم که می‌توان همه بچه‌های آلمان را با انتقال آنها به انگلیس و فقط نیمی از آنها را با انتقال آنها به سرزمین اسرائیل نجات داد، دومی را انتخاب می‌کردم، زیرا پیش ما فقط تعداد این بچه‌ها نیست. اما محاسبه تاریخی قوم اسرائیل»

همانطور که توسط [فارس یحیی گلاب](#) و [لنی برنر شرح داده شده است](#)، صهیونیسم و نازیسم نه تنها در هدف خالی کردن آلمان از یهودیان در این دوره، بلکه در همان خصلت فلسفی فاشیستی مشترک بودند که منجر به همکاری بین دو جنبش در این دوره شد.

مؤرخ آوی رام زوراف [نوشت](#) که صهیونیسم زمانی که با انتخاب بین نجات تک تک یهودیان و تضمین حاکمیت دولت اسرائیل روبه رو می‌شود، دستور سنتی یهودیان برای [باز خرید](#) اسراء را نادیده می‌گیرد و در عوض گزینه دوم را می‌خواهد.

بقای دولت

بررسی انتقادی رویدادهای ۷ اکتوبر الگوئی را نشان می‌دهد که در آن، مانند رهبران اولیه دولت، رهبری فعلی اسرائیل حفظ حاکمیت کشور اشغالگر بر زندگی اسراء جنگی توسط حماس را در اولویت قرار داده است.

در جریان جلسه کابینه در آن روز سرنوشت‌ساز، شخصیت‌های با نفوذی مانند وزیر دارائی بزلال اسموتریچ از ارتش اسرائیل [خواستند](#) که «حماس را وحشیانه بزند و موضوع اسراء را مورد توجه قرار ندهد».

به هر حال، موفقیت حماس در خروج از قفس غزه، علی‌رغم میلیاردها دالری که اسرائیل برای ساختن حصار مرزی و سیستم نظارتی با فناوری پیشرفته هزینه کرد، افسانه برتری نظامی منطقه‌ای اسرائیل را تهدید کرد.

تل ابیب اکنون نامیدانه در تلاش است تا بازدارندگی خود را با ایجاد یک واکنش نظامی نامتناسب و وحشیانه علیه جمعیت غیرنظامی در نوار غزه - تا حدی برای ترساندن دیگر دشمنان در ایران، لبنان، عراق، سوریه و یمن - بازگرداند.

تنها در پنج هفته، ارتش اشغالگر بیش از ۱۱۰۰۰ فلسطینی را به قتل رسانده است که بیش از ۶۵ درصد از این زنان و کودکان است. اسرائیل در کارزار کشتارهای روزانه خود از بمب های ۲۰۰۰ پوندی برای تخریب کل [محله](#)

[ها](#) و همچنین [بیمارستان ها](#)، [بازارها](#)، [مدارس سازمان ملل متحد](#) و حتی یک [کلیسای مسیحی](#) ارتدکس باستانی استفاده کرده است که همگی غیرنظامیان نامید فلسطینی در داخل آن پناه گرفته اند.

سام حسینی روزنامه‌نگار در واکنش به ویدئوهای وحشتناکی که از کشتار اسرائیل در غزه [منتشر شد](#)، [گفت](#): «اسرائیل دروغ می‌گوید که حماس نوزادان را سر می‌برد تا بتواند با دمیدن سر نوزادان از بین برود».

دکترین ضاحیه

این یک دوره برای تل ابیب است. آنچه امروز غزه شاهد آن است همان چیزی است که بیروت در جنگ اسرائیل در سال ۲۰۰۶ تجربه کرد. همانطور که راشد خالدی، مؤرخ فلسطینی [توضیح داد](#)، [دکترین ضاحیه](#) برای نابودی کل مناطق پرجمعیت شهری از هوا توسط نیروهای اسرائیلی ایجاد شد - در این مورد، کل حومه جنوبی بیروت، معروف

به [ضاحیه](#) در سال ۲۰۰۸ توسط سرلشکر گادی آیزنکوت، معاون رئیس ستاد ارتش اسرائیل که این نیروها را در طول جنگ ۲۰۰۶ فرماندهی می‌کرد، به طور علنی فاش شد:

«آنچه در محله ضاحیه بیروت در سال ۲۰۰۶ رخ داد، در هر روستائی که اسرائیل از آن شلیک می‌شود، اتفاق خواهد افتاد... از دیدگاه ما، اینها روستاهای غیرنظامی نیستند، بلکه پایگاه‌های نظامی هستند... این یک توصیه نیست. این یک طرح است و تصویب شده است.»

جای تعجب نیست که راز سگال، دانشیار مطالعات هولوکاست و نسل‌کشی در دانشگاه استاکتون، کمپین بمباران کنونی اسرائیل در غزه را "یک مورد درسی از نسل‌کشی" نامیده است. درخواست برای کشتار همهٔ باشندگان غزه، نه فقط اعضای حماس، اکنون در گفتمان عمومی اسرائیل یک سنت‌درد و پذیرفته شده است.

آمیچای الیاهو، وزیر میراث اسرائیل در مصاحبه با رادیوکل براما در پاسخ به این سؤال که آیا باید بمب اتمی بر روی منطقهٔ محاصره شده انداخته شود، گفت: "این یکی از احتمالات است... چیزی به نام غیرنظامیان غیر نظامی در غزه وجود ندارد".

رویتال گوتلیب، عضو حزب لیکود و عضو کنست، گفت: «غزه را صاف کنید بدون بخشش! این بار دیگر جائی برای رحمت نیست!»

این یک ملت است که مسؤول است. آیزاک هرترزوغ، رئیس‌جمهور اسرائیل، گفت: این سخنان در مورد غیرنظامیان بی‌خبر یا درگیر آن نیست، کاملاً درست نیست.

روی شارون روزنامه نگار گفت: «اگر برای از بین بردن نهائی توانائی های نظامی حماس... به یک میلیون جسد نیاز داریم، پس بگذارید یک میلیون جسد وجود داشته باشد.»

ایال گولان، خوانندهٔ محبوب اسرائیلی گفت: غزه را پاک کنید، یک نفر را در آنجا رها نکنید.

دستور کار الحاق غزه

تل ابیب اکنون به طور فعال از عملیات مقاومت به رهبری حماس به عنوان بهانه ای برای پاکسازی قومی و الحاق غزه استفاده می‌کند، غزه که عملاً توسط ارتش اشغالگر به نصف تقسیم شده است. رهبران اسرائیل مایلند از حوادث ۷ اکتوبر برای اجرای نکتب دوم استفاده کنند، همانطور که رهبران صهیونیست از هولوکاست برای اجرای نکتب اول استفاده کردند.

این بیشتر توضیح می‌دهد که چرا رهبران اسرائیلی مانند اسموتریچ مایل بودند صدها سرباز و شهرک نشین اسرائیلی را در پیامدهای طوفان الاقصی قربانی کنند.

حداقل از سال ۲۰۱۰، رهبران اسرائیل به دنبال آوارهٔ اجباری ۲.۳ میلیون نفر از مردم غزه به سینای مصر بوده اند و آنها را بار دیگر پناهنده کرده و سپس غزه را ضمیمه و مستعمرهٔ مجدد می‌کنند.

آنها می‌خواهند بلوک شهرک سازی گوش کتیف را که پس از عقب نشینی اسرائیل از نوار غزه در سال ۲۰۰۵ برچیده شد، به عنوان بخشی از "طرح جدائی آریل شارون"، نخست وزیر وقت، بازسازی کنند.

گوش کتیف که زمانی محل زندگی ۸۰۰۰ شهرک نشین یهودی بود، "زخمی ماندگار" نامیده می‌شود، زخمی که هنوز برای اسرائیلی ها باز و تازه است.

یک اسرائیلی به نام هیلل در سپتمبر سال گذشته به *i24NEWS* گفت: «این یک آسیب است. کل کشور آسیب دیده بود. *i24NEWS* همچنین خاطرنشان کرد که در جولای ۲۰۲۲، آرنون سگال، نامزد مذهبی رژیم صهیونیستی در طی اطلاعیهٔ مبارزات انتخاباتی خود نوشت: "زمان شروع برنامه ریزی برای بازگشت به گوش کتیف است".

در ماه مارچ سال جاری - بسیار قبل از عملیات طوفان الاقصی - اوریت استروک، وزیر مأموریت های ملی اسرائیل به کانال ۷ گفت که اسرائیلی ها به گوش کتیف باز خواهند گشت:

"متأسفانه بازگشت به نوار غزه تلفات زیادی را به همراه خواهد داشت، همانطور که خروج از نوار غزه با تلفات زیادی همراه بود."

در نتیجه، بمباران هولناک اسرائیل در غزه به سرعت با درخواست های اسرائیل از فلسطینیان غزه همراه شد که به جنوب غزه بروند و در نهایت به مصر فرار کنند.

در ۱۷ اکتوبر، سفیر سابق اسرائیل در ایالات متحده، دنی آیلون گفت: "مردم غزه باید تخلیه شوند و به مناطق وسیعی در آن سوی رفح در مرز سینا در مصر بروند... و مصر باید آنها را بپذیرد".

در ۲۸ اکتوبر، سندی از سوی وزارت اطلاعات اسرائیل فاش شد که به ارتش اسرائیل توصیه می کرد غزه را اشغال کند و ساکنان آن را به سینا منتقل کند.

چند روز بعد، دولت بایدن یک درخواست کمک مالی تکمیلی برای اسرائیل و اوکراین به کنگره ارائه کرد که شامل بودجه برای ساخت کمپ های پناهندگان در سینا، همانطور که در طرح وزارت اطلاعات آمده بود.

اسرائیل در خطرناک ترین حالتش

اسرائیل مایل بود در ۷ اکتوبر بسیاری از شهروندان و سربازان خود را به قتل برساند تا با تهدید حاکمیت این کشور که توسط حماس ایجاد شده بود مقابله کند. در عین حال، مرگ این اسرائیلی ها، همراه با تبلیغات مبنی بر این که حماس مرتکب جنایات وحشتناکی از جمله ادعاهای بی اعتبار تجاوز به زنان و سر بریدن نوزادان یهودی شده است، اکنون این فرصت را برای اسرائیل فراهم می کند تا به هدف خود برای پاکسازی قومی و الحاق غزه دست یابد.

بنابراین تصادفی نیست که وقایع ۷ اکتوبر به سرعت به عنوان "۱۱ سپتمبر اسرائیل" شناخته شد.

حملات تروریستی ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ به عناصر طرفدار اسرائیل در دولت ایالات متحده فرصتی برای راه اندازی "جنگ علیه ترور" جهانی داد که شامل برنامه هائی برای حمله به افغانستان و عراق و اشغال آنها می شد، در حالی که میلیون ها کشته و تریلیون ها دالر خرج کرد. به نفع مجتمع نظامی-صنعتی ایالات متحده است.

هنوز زود است که بگوئیم اسرائیل در تحقق اهداف خود در غزه موفق خواهد بود یا حماس و متحدانش در محور مقاومت قادر به جلوگیری از آن خواهند بود. در حالی که کشتار غزه ادامه دارد، به نظر می رسد اسرائیل مستأصل هم در ضعیف ترین و هم در خطرناک ترین حالت خود آماده کشتن هر و همه کسانی است که سر راهش قرار می گیرند.

۴ نومبر ۲۰۲۳
برگرفته از: کراذل